



DOR: 20.1001.1.27833542.1400.1.4.6.0

## COMPONENTS OF SPIRITUALITY-ORIENTED SOCIAL EDUCATION (TARBIYAT) FROM THE PERSPECTIVE OF NAHJ AL-BALAGHAH

(Received: 2022-05-30 / Accepted: 2022-06-29)

Amanullah Naseri Karimvand<sup>1</sup>

Fatemeh Moradi Kahanki<sup>2</sup>

Mina Shamkhi<sup>3</sup>

### ABSTRACT

Moral upbringing (Tarbiyat) is one of the important and fundamental issues of different societies, one of its dimensions is social education; And the goal of Nahj al-Balaghah teachings is to educate human beings based on spiritual components. The result of education under these teachings is the general security of the people of the society and the satisfaction of God Almighty.

This research uses descriptive-analytical method and using library tools to study the components of spirituality-oriented social education (Tarbiyat) from the perspective of Nahj al-Balaghah. The most important of these components are observance of reciprocal rights and avoidance of self-centeredness, fulfillment of promise, forgiveness, kindness and gentleness, respect for the elders and kindness to the younger, repelling evil for good, change of behavior according to the needs of the addressees, adjustment of optimism and pessimism, gratitude for the others, honesty and truthfulness and avoidance of lies, sharing of the sorrows and joys of fellow human beings, not trusting others before knowing them, attention to freedom and avoiding human slavery, not demanding from wrong people, avoiding selfishness and arrogance, controversy and enmity, controlling anger and rage, avoiding flattery, fawning on, jealousy, stubbornness, backbiting, faultfinding, and so on.

The results of the research show that thanks to the realization of "spirituality-oriented" education, social anomalies are greatly reduced, social cooperation reaches its highest level and social behaviors are regulated based on right and rightism, in a way that it leads to public satisfaction and flourishing of human values in society and the preparation to create a utopia.

**KEYWORDS:** Components of Social Education, Spirituality, Nahj Al-Balaghah, Imam Ali (As)

---

1- PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran, (corresponding author), amannaseri@gmail.com .

2- PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran, 18nafas@gmail.com .

3- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran, m\_shamkhi@yahoo.com .

## مؤلفه‌های تربیت اجتماعی معنویت‌محور از منظر نهج البلاغه

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸)

امان اله ناصری کریم‌وند<sup>۱</sup>

فاطمه مرادی کهنگی<sup>۲</sup>

مینا شمخی<sup>۳</sup>

### چکیده

تربیت از مباحث مهم و زیربنایی جوامع گوناگون است که یکی از ابعاد آن، تربیت اجتماعی است؛ و غایت آموزه‌های نهج البلاغه، تربیت انسان بر اساس مؤلفه‌های معنویت‌محور است. حاصل تربیت تحت این تعالیم، امنیت عمومی افراد جامعه و رضایت خداوند متعال را در پی دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به بررسی مؤلفه‌های تربیت اجتماعی معنویت‌محور از منظر نهج البلاغه می‌پردازد. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها رعایت حقوق متقابل و پرهیز از خودمحوری، وفای به عهد، عفو و گذشت، خوش‌رویی و نرم‌خویی، رعایت احترام بزرگ‌ترها و مهربانی با کوچک‌ترها، دفع بدی به نیکی، تغییر رفتار متناسب با اقتضائات مخاطب، تعدیل خوش‌گمانی و بدگمانی، شکرگزاری در مقابل دیگران، صداقت و حق‌گویی و پرهیز از دروغ، مشارکت در غم و شادی هم‌نوعان، اعتماد نداشتن به دیگران قبل از شناخت، توجه به آزادی و پرهیز از بردگی انسان‌ها، درخواست نکردن از ناهلان، دوری از عجب و تکبر، پرهیز از مجادله و دشمنی، کنترل خشم و غضب، دوری از تملق و چاپلوسی، دوری از حسادت، پرهیز از لجاجت، دوری از سخن‌چینی، پرهیز از عیب‌جویی، و... است. نتایج تحقیق حاکی از این است که در سایه تحقق تربیت «معنویت‌محور»، ناهنجاری‌های اجتماعی به‌شدت کاهش می‌یابد، همیاری اجتماعی به حدّ اعلای خود می‌رسد و رفتارهای اجتماعی بر اساس حق و حق‌گرایی تنظیم می‌شود، به گونه‌ای که رضایت عمومی را در پی دارد و موجب تبلور ارزش‌های انسانی در جامعه و مقدمه‌سازی جهت ایجاد مدینه فاضله می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مؤلفه‌های تربیت اجتماعی، معنویت، نهج البلاغه، امام علی (ع)

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)، amannaseri@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، nafas@gmail.com

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران، m\_shamkhi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

نهج البلاغه که حاوی بخشی از کلام امام علی (علیه السلام) در موضوعات گوناگون است، افق‌های مختلفی را برای تربیت صحیح و رسیدن به کمال به روی انسان می‌گشاید. تربیت، دامنه‌ای گسترده دارد که یکی از حوزه‌های آن، تربیت اجتماعی است و تربیت اجتماعی فرایندی است که در آن، انسان، چگونگی زندگی کردن در اجتماع را می‌آموزد. مشاهده معضلات اجتماعی حکایت‌گر وجود کاستی‌هایی در این امر است. از این رو، پژوهش در این زمینه، ضروری می‌نماید. زندگی در اجتماع، انسان را نیازمند تعامل با دیگران می‌کند و یکی از موضوعاتی که در راستای تربیت اجتماعی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چگونگی ارتباطات انسان است. به عبارت دیگر، انسان موجودی اجتماعی است که رفتارهای او با دیگران از ضروریات زندگی‌اش به‌شمار می‌رود. این رفتارها از چنان اهمیتی برخوردار است که امام علی (علیه السلام) در کلامی می‌فرماید: «با مردم آن‌گونه معاشرت کنید که اگر مرید بر شما اشک ریزند و اگر زننده مانندید با اشتیاق به‌سوی شما آیند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰).

تربیت مشتمل بر ابعاد مختلفی از جمله: «فردی» و «اجتماعی» است و به گونه‌های متعددی همچون «اخلاقی»، «عقیدتی» و «رفتاری» و... تقسیم می‌شود که این پژوهش بُعد اجتماعی آن را که مشتمل بر رفتارهای متعددی است مورد نظر قرار داده و تلاش نموده تا مؤلفه‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه را مورد کاوش قرار داده و به این سؤال پاسخ دهد که از منظر امام علی (علیه السلام) در پرتو توجه به معنویت و ارزش‌های انسانی برای تربیت افراد و نظم‌دهی به جامعه و همچنین هنجارسازی جهت تربیت اجتماعی، کدام مؤلفه‌ها را باید نهادینه و تقویت نمود و به دوری از چه مؤلفه‌هایی باید اتمام داشت؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه مسائل مرتبط با تربیت اجتماعی در نهج البلاغه آثار متعددی نگارش یافته است؛ از جمله: کتاب «تربیت اجتماعی و تربیت حرفه‌ای از دیدگاه نهج البلاغه»، از نجمه وکیلی (۱۳۸۱)، تهران، عابد که نویسنده برخی از سخنان امام علی (علیه السلام) را که صراحت یا دلالت بر تربیت دارد ذکر و تبیین کرده است. نتیجه حاصل از این اثر چنین بیان می‌شود که امام علی (علیه السلام) سخنان انسان‌سازی دارد که با بهره‌گیری از آن، می‌توان به روشی کم‌نظیر در تربیت دست یافت. همچنین در کتاب «روش‌های تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان بر اساس قرآن و نهج

البلاغه»، سعیده زارع، رمضان جهانیان (۱۳۹۶)، تهران، ندای کارآفرین، نویسنده برخی از مباحث نهج البلاغه در زمینه تربیت کودکان و نوجوانان را همراه با آیاتی از قرآن ذکر کرده است. حاصل پژوهش چنین است که امام (علیه السلام) برای تربیت این قشر دستورالعمل‌های تربیتی ویژه‌ای دارد که می‌توان با به‌کارگیری آن دستورات نسل صالح و موفق‌تری تربیت کرد.

همچنین در پایان‌نامه «بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه»، از مهری محمدی (۱۳۷۵)، نگارنده به بررسی مفهوم، اهداف و روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، از نظر کمیت و کیفیت و از نظر شرایطی که روش‌ها در آن به کار گرفته می‌شود و همچنین از نظر اهداف با نتیجه‌ای که از به‌کارگیری روش‌ها مدنظر است، با روش‌های معمول در تربیت اجتماعی متفاوت است.

همچنین در پایان‌نامه «تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، از جاسم تابع الحججه (۱۳۷۸)، نویسنده به تبیین مبانی نظری تربیت اجتماعی و ارائه راهبردهای عملی در تقویت روابط اجتماعی صحیح بین افراد جامعه با تکیه بر کلام امام علی (علیه السلام) پرداخته است و به این نتیجه دست یافته است که تربیت اجتماعی جز از طریق خودآگاهی تک‌تک افراد جامعه و احساس همدلی و سازگاری بین افراد یک اجتماع محقق نمی‌شود؛ و فردی تربیت‌شده اجتماع، اطلاق می‌گردد که همواره درصدد شناخت کامل‌تر از اجتماع خود و موقعیت آن است و برای بهبود روند امور و گسترش کار و حل مشکلات موجود به تفکر و تدبیر پردازد و قادر باشد در وضعیت‌های تازه‌ای که رخ می‌دهد در ارتباط با حل مسئله، تصمیم منطقی گرفته و اقدام نماید. در پایان‌نامه «روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه»، از سیده مهسا اسماعیلی فر (۱۳۹۰)، محقق پس از پرداختن به مفاهیم تربیت اجتماعی در نهج البلاغه و بررسی روش‌ها و زمینه‌های مؤثر در تحقق آن، به آسیب‌شناسی روش‌های تربیت اجتماعی در جامعه از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته و در پایان چنین نتیجه‌گیری کرده است که تربیت اجتماعی فردگرا، به دنبال تربیتی است که فرد را برای غلبه بر دیگران آماده می‌کند و تربیت اجتماعی جمع‌گرا، متوجه تربیتی است که موجب سازگاری افراد جامعه با همدیگر می‌شود؛ اما تربیت اجتماعی مبتنی بر نظرات امام علی (علیه السلام) هم به فرد و هم جامعه بها داده و تربیتی است که افراد را مسئول در برابر خداوند و سایر انسان‌ها کرده و به شکوفایی اجتماعی منجر می‌شود.

در مقاله «تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه» نوشته رحمت‌الله مرزوقی و عباس اناری نژاد (۱۳۸۶)، محققان، مفهوم و اهداف و اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه

را بررسی کرده و بدین نتیجه دست یافته‌اند که به‌منظور تربیت اجتماعی و پرورش بهترین اعضا برای اجتماع لازم است سه مرحله را پشت سر گذاشت: اول، آشنا کردن فرد با حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی که البته این کار باید به‌تناسب سن و مراحل رشد فرد و متناسب با نیازهای هر مرحله صورت گیرد؛ دوم، ایجاد مهارت‌های لازم اجتماعی همچون مهارت برای انجام وظایف مدنی و شغلی در فرد؛ و سوم، پرورش اخلاق شایسته اجتماعی در فرد تا با تخلق به این اخلاق، هم تعهد والاتر به ادای حقوق و انجام وظایف اجتماعی در وی پدید آید و هم از این طریق موجبات رشد و سعادت خود و جامعه پیرامونی را فراهم آورد. همچنین در مقاله «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه» اثر سعید بهشتی و محمدعلی افخمی اردکانی (۱۳۸۶)، محقق، مبانی و اصول تربیت اجتماعی را بر مبنای نهج البلاغه استخراج و تبیین نموده است. مبانی موردنظر نهج البلاغه آن دسته از گزاره‌های توصیفی و اخباری هستند که ناظر بر توانمندی‌های انسان بوده و انسان را در جهت شکوفا کردن استعدادهایش در راستای تربیت اجتماعی کمک می‌کنند و اصول تربیت اجتماعی مدنظر آن نیز بیانگر روابط موجود بین پدیده‌هایی هستند که ما را در اجرای تربیت اجتماعی کمک کرده؛ اصولی که بر اساس پیروی از حق تعالی پی‌ریزی شده و ربطی به معیارهای وضع‌شده جوامع ندارد.

مقاله «ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، اثر مهدی سبحانی نژاد و منیره رضایی فریمانی (۱۳۹۱)، نویسندگان با توجه به نقش الگویی ائمه (ع) به شیوه تحلیل اسنادی به بررسی ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته‌اند و یافته‌های آن نشان می‌دهد امام (ع) منشوری جامع، دقیق و همه‌جانبه در تربیت اجتماع عرضه داشته‌اند که رهنمودهای آن رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد؛ زیرا با تأکید بر اصول عقیدتی مطرح شده‌اند. کلام علوی ماهیت تربیت اجتماعی را دربرگیرنده وجوهی چون طبیعی و فطری، انسانی، درونی و خودانگیخته، آمیزه فرد و اجتماع، عمومی، فراگیر، دینی و توحیدی می‌داند.

### ۳. مفهوم شناسی

در ادامه، مفهوم برخی از واژگان مهم و کلیدی پژوهش تبیین می‌شود:

#### ۳-۱. مؤلفه

(مؤلفه) در لغت به معنای سازه، سازنده، تشکیل‌دهنده (حق‌شناس، ۱۳۸۳: ۳۷۵)،

جمع‌کننده (عمید، ۱۳۸۱: ۱۸۲۰/۲) ترکیب‌کننده، تألیف‌دهنده، گردآوری‌شده، الفت‌دهنده و مراد از آن عنصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک چیز است که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توانیم آن چیز را تجزیه و تحلیل کنیم (دهخدا، ۱۳: ۱۳۷۳/۱۹۲۸۳) و در پژوهش حاضر، منظور از مؤلفه‌های تربیت اجتماعی، عناصری است که در شکل‌گیری ساختار کلی تربیت اجتماعی نقش محوری ایفا می‌نمایند. توجه به این نکته مهم است که مؤلفه‌های تربیت اجتماعی به صورت استقرایی به دست آمده و ممکن است در این موارد محدود نباشند.

### ۲-۳. تربیت اجتماعی

«تربیت اجتماعی» مرکب از دو واژه «تربیت» و «اجتماع» است. واژه «تربیت» مصدر باب تفعیل و از ماده «ربی، یربو» و در لغت به معنای رشد دادن یا رشد یافتن (ابن فارس، ۱۴۱۴، ۲: ۴۸۳)، پرورش (راغب، ۱۳۷۴، ۲: ۲۹) و زیادت و فزونی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴: ۳۰۴) است. واژه «اجتماع» نیز معادل عربی «جَمَع» و به معنای گرد هم آمدن مردم است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱: ۲۳۹). واژه اجتماعی، منسوب به اجتماع و مقابل فردی است (معین، ۱۳۸۸: ۷۲). ترکیب تربیت اجتماعی در لغت به معنای رشد و نمو دادن ابعاد اجتماعی است و در اصطلاح، مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که به زندگی او در میان جامعه مربوط است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را درقبال دیگر هم‌نوعان، هم‌کیشان و هم‌مسلمانان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۱۵).

### ۳-۳. معنویت

واژه «معنویت»، مصدر جعلی و به معنای معنوی بودن است. معنوی نیز چنین معنا شده: منسوب به معنی، مربوط به معنی، باطنی، حقیقی، مقابل مادی، ظاهری، صوری. شخصی که در عالم معنی و باطن سیر کند، عارف (معین، ۱۳۸۸: ۱۳۴۹). واژه معنویت و مشتقات آن گرچه در منابع اصیل اسلامی (قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ) و ائمه (علیهم‌السلام) به کار نرفته، ولی در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی، رواج یافته است.

جای بحث دارد که معنویت را باید جدا از دین لحاظ کرد یا نه؛ ولی در تعاریفی که برای معنویت ارائه می‌شود قطعاً جهان‌بینی، ایدئولوژی و باورهای دینی بی‌تأثیر نیست. با مطالعه نهج البلاغه روشن می‌شود که در جای‌جای آن، معنویت با ایمان به توحید، معاد و دعوت پیامبران

و عمل به اوامر و نواهی آنان مورد توجه قرار گرفته است. از این رو به نظر می‌رسد معنویت در فرهنگ اسلامی واژه‌ای برای بیان جوهره و باطن دین اسلام و عمل به تعالیم آن با مرکزیت ایمان به خداوند باشد. بر این اساس، ایمان به خداوند یا ایمان دینی و به عبارتی دین‌داری، وجه اساسی معنویت است. معنویت به این معنا، دارای مراتب و درجات مختلفی است که در تمام شئون زندگی نمود و مصداق دارد و جاری و ساری است.

#### ۴. مؤلفه‌های تربیت اجتماعی در آموزه‌های نهج البلاغه

جنبه اصیل و شاخص تربیت اجتماعی در آموزه‌های علوی، توجه به معنویات است؛ و بر اساس این معیار، انسان موظف است در مناسبات اجتماعی و معاشرت‌ها، حق را ملاک قرار داده و رفتارهای بین فردی خود را با توجه به ارزش‌های مبتنی بر معنویت تنظیم کند. غالباً خیال می‌کنند که حُسن خُلق و اجتماعی بودن همین است که انسان همه را با خود دوست کند؛ اما این برای انسان هدف‌داری که فکر و ایده‌ای را در اجتماع تعقیب می‌کند و درباره منفعت خویش نمی‌اندیشد، میسر نیست. چنین انسانی خواه‌ناخواه، قاطع و صریح است مگر آنکه منافق و دورو باشد (مطهری، بی تا، ۱۶: ۲۲۷)؛ بنابراین ملاک و معیار در بحث تربیت اجتماعی، معنویت بر پایه حق است؛ یعنی ارتباط و رفتار فرد با دیگران بر اساس حق است و بر این اساس با برخی‌ها ارتباطش را کم یا قطع می‌کند یا رفتار خاصی از خود نشان می‌دهد و حتی علیه بعضی دشمنی می‌کند؛ لذا این مؤلفه در بحث تربیت اجتماعی و به تبع آن رفتارهای بین فردی، تعیین‌کننده و تنظیم‌کننده است.

با توجه به آنچه بیان شد چنین استنتاج می‌شود که تربیت اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه موجب می‌شود که انسان در ارتباط با دیگران طوری رفتار نماید که هم ارزش و کرامت انسانی خود و فرد مقابل حفظ شده و هم حقوق هرکدام رعایت شود. این رفتارها، مورد قبول جوامع مختلف بوده و در پیشرفت انسان، از حیث رسیدن به ارزش‌های والای اجتماعی، شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادها نقش اساسی ایفا می‌کنند. این رفتارها به شرح ذیل است:

#### ۴-۱. رعایت حقوق متقابل و پرهیز از خودمحوری

در الگویی که امام علی (ع) برای زندگی اجتماعی ترسیم می‌کند یک قاعده کلی وجود دارد که بسیاری از مؤلفه‌های رفتاری را در بر دارد؛ امام (ع) در وصیت به امام حسن (ع)

می‌فرماید: «ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند. ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند؛ و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی» (نامهٔ ۳۱). این کلام امام علی (علیه السلام) ناظر بر یک قاعدهٔ اساسی است که زیربنای روابط اجتماعی است.

این اصل مهم اخلاقی در هر جامعه‌ای پیاده شود، نزاع‌ها و کشمکش‌ها به حداقل می‌رسد؛ زیرا اغلب مشکلات اجتماعی از آنجا ناشی می‌شود که گروهی همه‌چیز را برای خود می‌خواهند و تنها به آسایش و آرامش خود می‌اندیشند و انتظار دارند دیگران دربارهٔ آن‌ها کمترین ستمی نکنند و سخنی برخلاف آن‌ها نگویند؛ ولی خودشان آزاد باشند، هرچه خواستند دربارهٔ دیگران انجام دهند یا اینکه برای منافع و حیثیت و آبرو و آرامش دیگران ارزشی قائل باشند، ولی نه به اندازهٔ خودشان؛ برای خودشان خواهان حداکثر باشند و برای دیگران حداقل (رک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۵۶۳). رعایت چنین قاعدهٔ مهمی در مناسبات اجتماعی جز با توجه به باطن عمل و اثر آن و در نظر گرفتن حقوق افراد در سایهٔ معنویت‌گرایی میسر نخواهد بود.

#### ۴-۲. وفای به عهد

وفای به عهد از رفتارهای پسندیده‌ای است که یکی از عوامل مؤثر در قوام جامعه محسوب می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴): «و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد.» وفای به عهد و خلف وعده نکردن از حقوق مسلمانان درقبال یکدیگر است. با مطالعهٔ تاریخ درمی‌یابیم وفای به عهد و پیمان‌ها یکی از رفتارهایی است که اغلب جوامع بدان پایبند بوده‌اند. امام علی (علیه السلام) نیز در بیان اهمیت آن می‌فرماید: «عهد و پیمان‌ها را پاس دارید به‌خصوص با وفاداران» (حکمت ۱۵۵) و دربارهٔ اینکه با چه کسانی باید وفا یا خیانت کرد می‌فرماید: «وفاداری با خیانت‌کاران نزد خدا نوعی خیانت و خیانت به خیانت‌کاران نزد خدا وفاداری است» (حکمت ۲۵۹). بهتر است انسان قبل از وعده دادن، به مسئولیت‌آوری وعده و عهد و پیمان توجه داشته باشد، همان‌طور که امام (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که چیزی از او خواسته‌اند تا وعده نداده آزاد است» (حکمت ۳۳۶)؛ بنابراین عقد پیمان و وعده دادن، الزام به عمل را در پی دارد، خواه



مکتوب و خواه شفاهی مطرح شده باشد. گرچه مکتوبات را در صورت خللی ناقص یا تام در اجرا می‌توان از طریق مراجع قانونی پیگیری کرد؛ اما عهد و پیمان‌های شفاهی از چنین امتیازی برخوردار نیستند؛ لذا در اینجا نقش میانجی معنویت و ایمان دینی در عمل به گفته‌ها و قرارها که نوعی الزام درونی در افراد ایجاد می‌کند، مهم می‌نماید.

#### ۳-۴. عفو و گذشت

عفو و گذشت از کلیدی‌ترین فضایل رفتاری بر پایه معنویت در روابط اجتماعی است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پرهیزکار را می‌بینی که ستمکار خود را عفو می‌کند و بر آنکه محرومش کرده می‌بخشد» (حکمت ۲۱۱) و در کلام دیگری می‌فرماید: «اگر عفو کنم برای من نزدیک شدن به خدا و برای شما حسنه است پس عفو کنید. «آیا دوست ندارید خدا شما را پیامرزد» (نور: ۲۲)» (نهج البلاغه: نامه ۲۳). پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید: بر شما باد به گذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یکدیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند (کلینی، ۱۳۶۹، ۳: ۱۶۷).

آنان که نظر بلند و روح بزرگ دارند، پوزش‌ها را می‌پذیرند، از خطاهای دیگران چشم می‌پوشند و از حق شخصی خویش می‌گذرند. بلندنظری انسان، عامل محبت دل‌های دیگران است. برای خود انسان نیز نوعی لذت روحی دارد. گذشت و چشم‌پوشی و نادیده گرفتن لغزش‌های دیگران، آن‌ها را خوش‌بین، وفادار و با محبت نگه می‌دارد (محدثی، ۱۳۹۲: ۴۴)؛ بنابه این بیانات، عفو یکی از رفتارهای پسندیده‌ای است که موجب تقرب به خداوند، آمرزش الهی و محبوب شدن بین مردم می‌شود.

#### ۴-۴. خوش‌رویی و نرم‌خویی

این فضیلت از مهم‌ترین رفتارهای بین فردی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای پسران عبدالمطلب! شما نمی‌توانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید، پس با چهره باز و خوش‌رویی با آن‌ها برخورد کنید» (کلینی، ۱۳۶۹، ۳: ۱۶۱). امام سجاد (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «دوست ندارم که به جای نرم‌خویی و فروتنی‌ام، شتران سرخ‌مو داشته باشم» (همان: ۱۶۹)؛ یعنی چنین صفت حمیده‌ای را با مال دنیا عوض نمی‌کنم و هرگز راضی نمی‌شوم که خشن و تندخو باشم و در برابر آن بهترین چهارپایان و زیور دنیا را داشته باشم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) همواره با گشاده‌رویی و نرم‌خویی با مردم روبرو می‌شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ۱: ۱۹۷) تا آنجا که قرآن آن را یکی از عوامل مهم پیروزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌داند و می‌فرماید: «فَیْمَا

رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَنَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران: ۱۵۹): «به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند...» امام علی (ع) نیز درشت‌خویی را مایهٔ پراکنده شدن انسان‌ها از اطراف فرد و تنهایی او دانسته و نرم‌خویی و خوش‌رویی را موجب زیاد شدن دوستان و انس و الفت آن‌ها و تحکیم پیوندها دانسته و می‌فرماید: «دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوش‌رویی کند» (حکمت ۵۰)؛ و نیز در سخنی دیگر می‌فرماید: «کسی که درخت شخصیت او نرم باشد، شاخ و برگش فراوان است» (حکمت ۲۱۴).

امام (ع) در جای‌جای نهج البلاغه بارها با وصف انسان‌های مؤمن و پرهیزکار به آداب دینی در حوزهٔ تربیت اجتماعی اشاره فرموده که یکی از این اوصاف در معاشرت با دیگران، داشتن چهره‌ای گشوده، بشاش و خندان و برخورد‌های ملایم و توأم با نرمی و رحمت است که این نرمی و رحمت پرتویی از رحمت و صفات حمیده الهی است که در بندگان خوب او تحت تأثیر بندگی و توجه به معنویات انعکاس می‌یابد.

#### ۴-۵. رعایت احترام بزرگ‌ترها و مهربانی با کوچک‌ترها

رعایت احترام بزرگ‌ترها و مهربانی و عطوفت با کوچک‌ترها از دستورالعمل‌های رفتاری اسلام است. امام علی (ع) می‌فرماید: «باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند و بزرگسالان شما با خردسالان مهربان باشند و چونان ستم‌پیشگان جاهلیت نباشید که نه از دین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می‌کردند» (خطبه ۱۶۶).

رعایت ادب و حرمت موی سفید و سن و سال هر بزرگ‌تری در جامعه و همچنین مقتضای حق‌شناسی در برابر زحماتی که برای انسان متحمل شده‌اند ایجاب می‌کند تکریم بیشتری شوند، از این‌رو در آموزه‌های علوی به رعایت احترام آنان سفارش بیشتری شده است. امام (ع) می‌فرماید: «بزرگسال را به‌خاطر سن او باید احترام کرد» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ۲: ۸۷۳)؛ و ضمن انتقاد از اوضاع نابسامان اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری مردم فرموده است: «خدا شما را رحمت کند بدانید که همانا شما در روزگاری هستید که خردسالان نشان بزرگان را احترام نمی‌کنند...» (خطبه ۲۳۳). از رهنمودهای مهم امام علی (ع) جهت پیوند میان نسل‌ها و حفظ ارزش‌ها، رعایت احترام متقابل خردسالان و بزرگسالان است که این دستور موجب مهربانی بیشتر و حفظ حرمت‌ها می‌شود.

#### ۴-۶. دفع بدی به نیکی

دفع بدی به نیکی یکی از رفتارهای پسندیده اجتماعی است که در آموزه‌های اسلامی به آن سفارش فراوانی شده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَيَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (قصص: ۵۴): «(و بدی را به نیکی دفع می‌کنند) و ... إِدْفَعُ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴): «... همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است پاداش ده و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد.» امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «برادرت را با احسانی که در حق او می‌کنی سرزنش کن و شر او را با بخشش بازگردان» (حکمت ۱۵۸). البته این رفتار، روحیه معنوی بالا و ایمان استوار می‌طلبد، و در مقابل، اثرات مثبت و ارزشمندی در پی دارد از جمله: موجب تغییر دیدگاه، الفت قلوب، دوستی و جذب دیگران حتی دشمنان و مخالفان می‌شود. ۱.

#### ۴-۷. تغییر رفتار متناسب با اقتضائات مخاطب

مدارا کردن با دیگران که لازمه زندگی اجتماعی است، در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه سیره علوی مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است. امام (ع) می‌فرماید: «با آن کس که با تو درستی کرده نرم باش که امید است به‌زودی در برابر تو نرم شود» (نامه ۳۱). اصل و اساس در برنامه‌های زندگی، نرمش و مدارا است؛ ولی گاهی افرادی پیدا می‌شوند که از این رفتار انسانی سوءاستفاده می‌کنند و بر کار خود اصرار می‌ورزند، در مقابل این افراد، خشونت تنها طریق اصلاح است. امام (ع) در این باره می‌فرماید: «جایی که مدارا کردن درستی به حساب آید به‌جای مدارا درستی کن، چه بسا که دارو بر درد افزاید و بیماری، درمان باشد» (همان). در این کلام امام، جمله دوم در واقع به‌منزله علت برای جمله اول است، زیرا مواردی پیدا می‌شود که دوا، درد را فزون‌تر می‌سازد و تحمل درد، دوا محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۳۷). از طرفی در کلامی دیگر می‌فرماید: «سختی و شدت را با نرمی و ملایمت بی‌آمیز، در جایی که نرمی مناسب‌تر و به مصلحت نزدیک‌تر است نرمی کن» (نامه ۴۶).

با توجه به آنچه گفته شد، امام (ع) مدارا کردن را برای هر شرایطی تجویز نمی‌کند، بلکه حدود و مرز آن را مشخص کرده و برای آن جایگاهی در نظر گرفته است؛ زیرا در برخی شرایط

۱- نمونه اعلای این گونه رفتارها در سیره معصومان (ع) به‌وفور وجود دارد. برخورد امام علی (ع) با قاتل ملعونش و همچنین برخورد امام حسن (ع) با مرد شامی از این دسته است.

مصلحت حکم می‌کند جز با سختی و شدت یا ترش‌رویی و تندى سخن نگفت، این در مواقعی است که مصلحت حکم نمی‌کند یا دیگر نرمی جواب نمی‌دهد یا موجب جرئت یافتن دیگران بر فرد می‌شود و البته ذکر این نکته لازم است که مدارا نکردن و بروز خشونت و درستی در جای صحیح خود، با معنویت‌گرایی و توجه به حقیقت هستی و ارزش‌های انسانی و الهی منافاتی ندارد.

#### ۴-۸. تعدیل خوش‌گمانی و بدگمانی

خوش‌گمانی یکی از فضایل اخلاقی و بدگمانی یکی از رفتارهای زشت و مذموم است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که به تو گمان نیک بُرد او را تصدیق کن» (نامه ۳۱). اشاره به اینکه اگر مثلاً تو را اهل خیر، بذل و بخشش و سخاوت می‌داند و از تو چیزی خواست به او کمک کن تا گمان او را تصدیق کرده باشی و بزرگواری تو تثبیت شود. این گونه رفتار کردن دو مزیت دارد؛ هم خوش‌بینی و حسن‌ظن مردم را تثبیت می‌کند و هم با این خوش‌بینی‌ها انسان به راه خیر کشیده می‌شود. بسیار اتفاق می‌افتد که افرادی نزد انسان می‌آیند و می‌گویند مشکلی داریم که گمان می‌کنیم تنها به دست تو حل می‌شود. انسان باید در حل مشکل چنین افرادی بکوشد و حسن‌ظن آن‌ها را به سوءظن تبدیل نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۵۶).

امام (علیه السلام) در جایی دیگر می‌فرماید: «هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمان بد برد، درحالی که از او عمل زشتی آشکار نشده ستمکار است و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری خوش‌گمان باشد، خود را فریب داده است» (حکمت ۱۱۴). لازم به ذکر است که بدگمانی در جای صحیح خود با معنویت‌گرایی منافاتی ندارد.

از آنچه گفته شد چنین استنتاج می‌گردد که هرکدام از این دو رفتار به‌تنهایی مخل برقراری روابط اجتماعی سالم است و شایسته است انسان بین این دو رفتار جمع کند و به عبارتی به تعدیل این دو بپردازد و هر یک را در جای بایسته خود به کار بندد.

#### ۴-۹. شکرگزاری در مقابل دیگران

در برخوردهای اجتماعی، یکی دیگر از رفتارهای مورد تأکید دین، سپاس‌گزاری از دیگران به خاطر نیکی‌ها، بخشش‌ها و خوبی‌های آن‌هاست که باعث ایجاد محبت و استواری بیش‌ازپیش رابطه‌ها و پیوندها می‌شود. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «چون تو را ستودند بهتر از آنان ستایش کن. به‌رحال پاداش بیشتر، از آن آغازکننده است» (حکمت ۶۲).

در الگوی رفتاری و گفتاری امام علی (علیه السلام) همان‌طور که شکر نعمت‌های خداوند، موجب فزونی نعمت‌ها از سوی او می‌شود، سپاس‌گزاری از بندگان خدا در مقابل کردار و گفتار نیکشان نیز آن‌ها را به سمت مداومت و ازدیاد نیکی‌هایشان سوق می‌دهد؛ بر این اساس که آن‌ها با سپاس‌گزاری که از جانب ما مشاهده می‌کنند بازخورد دریافت می‌کنند و این بازخورد، آن‌ها را به اعمال و گفتار مشابه ترغیب می‌نماید و برعکس، وقتی کار نیکوکار دیده نشود بی‌رغبتی او را در پی خواهد داشت. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «کمی شکر و سپاس‌گزاری، موجب بی‌رغبتی و بی‌اعتنایی در انجام کار نیک می‌شود» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۲۳).

در مقابل نیکی‌هایی که از دیگران به ما می‌رسد، سه حالت می‌توانیم داشته باشیم: ۱. جبران که عالی‌ترین برخورد است؛ ۲. سپاس‌گزاری با زبان و عمل؛ ۳. ناسپاسی و قدرشناسی که بدترین برخورد است (محدثی، ۱۳۹۲: ۲۰۹). در روایات است که امام علی (علیه السلام) فرمود: «بر عهده کسی است که به او انعام و احسانی شده، به‌خوبی و به‌نحو شایسته، بر نعمت‌دهنده نیکی کند و نعمت و احسان او را جبران نماید، اگر از جبران عمل ناتوان بود، با ستایشی شایسته و ثنای نیک برخورد کند، اگر از ستایش زبانی هم ناتوان بود، حداقل نعمت را بشناسد و به نعمت‌دهنده محبت داشته باشد، اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته آن نعمت نیست» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۶۸: ۵۰).

در باب میزان و حدود مرز آن نیز امام توصیه‌هایی نموده است. ایشان کسانی را که از دیگران سپاس‌گزاری نمی‌کنند به چهارپایان تشبیه می‌نماید (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۴۰). در مقابل، سفارش می‌کند که در برابر نیکی دیگران نهایت تقدیر و سپاس‌گزاری را از او داشته باشید: «کسی که به تو نهایت اهتمام و عنایت خود را بذل کند، تو نیز نهایت سپاس‌گزاری خود را به او بذل کن» (مجلسی، ۱۳۶۴، ۶۸: ۴۳۸). نتیجه آنکه سپاس‌گزاری و تقدیر از بندگان خدا در قبال نیکی‌هایشان، به‌مثابه شکر و سپاس از خداوند است که محبت‌آفرین و موجب وفاداری به یکدیگر و تحکیم رابطه‌ها و تقویت خوبی‌ها و نزدیک شدن به سبک زندگی معنویت‌محور خواهد شد.

#### ۴-۱۰. صداقت و حق‌گویی و پرهیز از دروغ

صداقت نقطه مقابل دروغ‌گویی و یکی از مؤلفه‌های تربیت اجتماعی است که امام علی (علیه السلام) در کلام خود، بارها به آن اشاره و اهمیت و آثار آن را بیان می‌فرماید. ایشان راستگویی را اساس دین، بهترین گفتار، فضیلت و برتری، وسیله سربلندی و نجات‌بخش می‌داند و می‌فرماید:

«راستگو در آستانه نجات و بزرگواری است و دروغگو در لبه پرتگاه و خواری» (خطبه ۸۶). از آنجایی که قوام هر جامعه‌ای به اعتماد انسان‌ها به یکدیگر است. آنچه این بنیان را استوار و محکم می‌سازد، صداقت انسان‌ها در قبال هم است و اگر صدق و راستی از جامعه‌ای رخت بر بندد، زندگی‌ها دشوار، ناامن، تلخ و نکبت‌بار خواهد شد؛ زیرا بسیاری از ناهنجاری‌ها و اختلافات خانوادگی و مشاجرات میان دوستان و فامیل‌ها و حتی تنش‌ها و نزاع‌های سیاسی، پدیده‌ای است که از بی‌صداقتی و ناخالصی به وجود می‌آید (محدثی، ۱۳۹۲: ۲۴۰).

در الگویی که امام علی (علیه السلام) برای روابط اجتماعی مسلمانان بر اساس حق‌گرایی و معنویت ترسیم می‌کند، صداقت را نشانه و زیور ایمان معرفی و اهمیت آن را نیز مشخص نموده و می‌فرماید: «نشانه ایمان آن است که راستگویی را در آنجا که به زیان توست، به دروغ‌گویی که به سود توست برگزینی» (حکمت ۴۵۸) و آن را منوط به میزان جوانمردی انسان‌ها می‌داند (حکمت ۴۷)؛ با این حساب، صداقت، استوارترین بنیانی است که دوستی‌ها، مشارکت‌ها، ازدواج‌ها و دیگر بخش‌های سبک زندگی بر آن استوار می‌گردد و بدون آن، همه این بنیان‌ها در معرض فروپاشی و گسیختگی است (محدثی، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

همچنین امام (علیه السلام) درباره دروغ که از بدترین رذایلی است که همواره جوامع بشری گرفتار آن بوده‌اند، به شدت هشدار می‌دهد و آن را بدترین گفتار می‌داند (خطبه ۸۴) و می‌فرماید: «دروغ از خلق و خواهی اسلامی نیست» (تمیمی‌آمدی، بی تا ۲: ۵۹۳). خداوند در قرآن کریم، دروغ‌گویی را به مثابه بی‌ایمانی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «تنها کسانی دروغ‌پردازی می‌کنند که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند» (نحل: ۱۰۵)؛ طبق آیه می‌توان گفت میان معنویت و دروغ‌گویی ناسازگاری عمیقی وجود دارد.

دروغ از آفت‌هایی است که بی‌اعتمادی را در پی دارد و موجب خواهد شد که نظر و رأی افراد دروغگو برای دیگران اهمیت و ارزشی نداشته باشد و این سخنان مستند به کلام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است که می‌فرماید: «شایسته است که مسلمان از دوستی و برادری با دروغگو پرهیزد؛ زیرا او آن‌قدر دروغ می‌گوید که اگر سخن راستی هم بر زبان آورد، دیگر باور نخواهد شد» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴: ۴۱۸) و «دروغگو هیچ رأی ندارد» (همان، ۹: ۸۸). همچنین دروغ‌گویی موجب خواری، رسوایی، بی‌اعتباری، بی‌اعتمادی در جامعه و سلب امنیت و آرامش روانی افراد خواهد شد، وقتی دروغ‌گویی رواج پیدا می‌کند افراد نمی‌دانند کدام سخن را بپذیرند و کدام را رد کنند و این سرچشمه‌ای خواهد بود برای بدگمانی به سخنان دیگران که خود نیز آفتی است.

با مطالعه نهج البلاغه و آموزه‌های دینی در می‌یابیم که آنچه خداوند به‌عنوان خالق و مدیر جهان هستی از ما می‌خواهد حفظ فطرت و سرشت پاک، صداقت و راستگویی است که با آن متولد شده‌ایم؛ و از آنجایی که دروغ و دروغ‌گویی با فطرت ما و روح معنویت‌گرایی سازگار نیست شایسته است به شکرانه این خلقت نیکو از این آفت ویرانگر فاصله بگیریم.

#### ۴-۱۱. مشارکت در غم و شادی هم‌نوعان

یکی از رفتارهای پسندیده اجتماعی همراهی کردن با دیگران در شادی‌ها و دلداری دادن در مشکلات و مصیبت‌هاست. در نهج البلاغه اهمیت آرام کردن مصیبت‌دیدگان چنین بیان شده: «مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَ التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ» (حکمت ۲۴): «از کفاره گناهان بزرگ به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت‌دیدگان است». «ملهوف» معنای وسیعی دارد که هر فرد مظلوم و بیچاره‌ای را شامل می‌شود؛ خواه بیمار باشد یا گرفتار طلبکار یا فقیر نادار یا زندانی بی‌گناه. کسی که به کمک این‌گونه افراد بشتابد می‌تواند عفو الهی را در برابر گناهی که انجام داده به خود متوجه سازد. «مکروب» به هر شخص غمگین گفته می‌شود؛ خواه غم او در مصیبت عزیزش باشد یا غم بیماری یا فقر یا شکست در امر تجارت و یا هر غم دیگر. «تنفیس» همان زدودن غم است. در جایی که ممکن است عامل غم برطرف شود، زدودنش از این طریق خواهد بود؛ مانند زدودن فقر از طریق کمک مالی و آنجا که نمی‌توان عامل را برطرف کرد می‌توان از طریق تسلی دادن، غم و اندوه را سبک نمود؛ مانند کسی که عزیزش را از دست داده با تسلیت گفتن و دلداری دادن به‌وسیله دوستان، غم و اندوهش کاهش می‌یابد یا برطرف می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۱۵۳).

امام علی (علیه السلام) در کلام دیگری نیز می‌فرماید: «سوگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود! هرکس دلی را شاد کند خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان‌که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند» (حکمت ۲۵۷). همچنین به روش برخورد با مصیبت‌ها (حکمت ۴۱۴) و آداب تسلیت گفتن در مرگ دیگران (حکمت ۳۵۷) و شیوه تبریک گفتن تولد فرزند (حکمت ۳۵۴) نیز اشاره فرموده است. این رفتارها گرچه رفتارهایی جزئی و شاید کم‌اهمیت به نظر می‌رسند، اما در روابط اجتماعی بسیار اثرگذارند. چه بسا اغلب ناراحتی‌ها و شکاف‌ها از همین توقعات ابتدایی نظیر نیاز به توجه و محبت، دستگیری در زمان گرفتاری‌ها و همدلی، هم‌زبانی، هم‌فکری و همکاری در شرایط دشوار زندگی نشئت می‌گیرد.

#### ۴-۱۲. اعتماد نکردن به دیگران قبل از شناخت

اعتماد کردن به دیگران، از مسائلی است که لازم است در آن احتیاط شود و از اعتماد کردن به دیگران بدون شناخت کافی خودداری شود. امام علی (علیه السلام) درباره ضرورت آزمایش افراد قبل از اعتماد کردن می‌فرماید: «مردم را بیازمای، تا دشمن گردی» (حکمت ۴۳۴). اعتماد کردن به افراد قبل از آزمایش نمودن آنان را نشانه ناتوانی و عجز می‌داند: «قبل از آزمودن اشخاص، اطمینان پیدا کردن از عجز و ناتوانی است» (حکمت ۳۸۴). برخی افراد شایستگی اعتماد کردن را ندارند، امام (علیه السلام) در این باره چنین توصیه نموده است: «به آن کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد اعتماد نکن» (حکمت ۲۱۱). بسیاری از ارتباطاتی که بدون شناخت درست و کافی صورت می‌گیرد، بعضاً تا مدت‌ها انسان را درگیر مشکلاتی و گاه گرفتار گناهی می‌کند که او را از مسیر سعادت، معنویت و بندگی باز می‌دارد؛ اما در صورت عمل به این کلام امام (علیه السلام) می‌توان از این نوع مسائل مصون ماند.

#### ۴-۱۳. توجه به آزادی و پرهیز از بردگی انسان‌ها

بندگی از رفتارهایی است که مختص رابطه انسان با خدا برای بزرگداشت خداوند است؛ و حد اعلای آن، گویای اوج معنویت یک انسان است. از این رو، شایسته نیست انسان جز در مقابل خداوند سر تعظیم فرو آورد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید» (نامه ۳۱). گاهی مرزهای رفتاری در معاشرت با دیگران آشفته می‌شود؛ به گونه‌ای که افراد به نام خضوع و تواضع در دام ذلت و حقارت می‌افتند (محدثی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). امام (علیه السلام) از این رفتار به دلیل زشتی بیش از حد و منافات آن با فطرت انسان پرهیز داده و درصدد تربیت انسان در جهت رشد و ایصال به قرب الهی است.

#### ۴-۱۴. درخواست نکردن از ناهلان

در تعالیم اسلامی درخواست نکردن از مردم از ویژگی‌های مؤمنان معرفی شده است. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «(در مقام دعا) گفتم: خدایا مرا نیازمند احدی از آفریدگانت نکن! پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای علی! چنین مگو، زیرا که هیچ کس نیست که نیازمند مردمان نباشد. گفتم: پس چگونه بگویم ای پیامبر خدا؟ فرمود: بگو: خدایا مرا نیازمند مردم بد مکن.» طبق این کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم دو گروه‌اند: اهل و ناهل (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱، ۴۰۸). امام علی (علیه السلام) خود نیز در بیان مذمت درخواست از ناهلان می‌فرماید: «از دست دادن



حاجت بهتر از درخواست کردن از نااهل است» (حکمت ۶۶). اهل، کسی است که دارای سخاوت و انسان‌دوستی و مهر و محبت و علو طبع باشد؛ و نااهل کسی است که بخیل و تنگ نظر و منت گذار است. بدیهی است هرگاه انسان دست طلب به سوی نااهل دراز کند از یک سو خود را حقیر می‌کند و از سوی دیگر، احتمال امتناع با توجه به بخل و تنگ نظری طرف کاملاً وجود دارد و از سوی سوم، اگر اقدام به رفع نیاز و حاجت کند ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها دست از منت گذاری بر ندارد، پس چه بهتر که انسان قناعت ورزد و علو همت و شخصیت خود را حفظ نماید و از دست رفتن حاجتی را تحمل کند و دست نیاز به سوی این گونه افراد دراز نکند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۹۸). از این رو، امام (علیه السلام) نیز تحمل تلخی ناامیدی را بهتر از درخواست از این گونه افراد می‌داند. این افراد طعم شیرین ایمان را نچشیده‌اند یا ایمان در اعماق قلبشان رسوخ نکره است و نمی‌دانند که یاری رساندن به دیگران جلوه‌ای از نور ایمان و معنویت است.

#### ۴-۱۵. دوری از عُجب و تکبر

تکبرورزی یکی از رفتارهای شیطانی است که در مذمت آن آیات و روایات فراوانی آمده است. امام علی (علیه السلام) در نکوهش تکبرورزی و متکبران می‌فرماید: «در شگفتم از متکبری که دیروز نطفه‌ای بی‌ارزش و فردا مُرداری گندیده خواهد بود» (حکمت ۱۲۶). همچنین امام می‌فرماید: «ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است» (حکمت ۳۸). مکارم شیرازی در شرح این حکمت می‌نویسد: «وحشت» در لغت هم به معنای تنهایی آمده است و هم به معنای ترس و ناراحتی ناشی از آن و به یقین، افراد خودبزرگ بین دوستان خود را به زودی از دست می‌دهند، زیرا مردم حاضر نیستند زیر بار چنین افراد خودبین و خودخواهی بروند و به این ترتیب در زندگی تنهای تنها می‌مانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۲۵۷). این رفتار ناشی از فراموشی چگونگی پدید آمدن و مُردن و غفلت از فقر ذاتی انسان است. انسان ذاتاً از خود چیزی ندارد، هر آنچه دارد اعتباری است؛ بنابراین داشته‌های اعتباری فخرآفرین نیستند و تکبر ناشی از این‌ها با روح ایمان و معنویت سازگاری ندارد.

#### ۴-۱۶. پرهیز از مجادله و دشمنی

یکی دیگر از رفتارهای نکوهیده در روابط بین فردی، مجادله و دشمنی است. امام علی (علیه السلام) شخصی را دید که چنان بر ضد دشمنش می‌کوشید که به خود زیان می‌رسانید؛ به او فرمود: «تو

مانند کسی هستی که نیزه در بدن خود فرو برد تا دیگری را که در کنار اوست بکشد» (حکمت ۲۹۶). دشمنی به هر میزانی که باشد به همان میزان پیامدهای منفی شخصیتی، روحی و معنوی برای خود شخص دارد. امام علی (علیه السلام) به دلیل زیان‌هایی که جدال و دشمنی دارد از آن پرهیز داده است: «هرکس که از آبروی خود بیمناک است از جدال پرهیزد» (حکمت ۳۶۲). دشمنی با مردم اثرات زیان‌بار بی‌شماری دارد که بر دین و دنیای انسان تأثیر می‌گذارد، تا جایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «جبرئیل هیچ‌گاه نزد من نیامد، مگر اینکه مرا موعظه کرد و پایان موعظه‌اش این بود که از برانگیختن دشمنی مردم با یکدیگر برحذر باش؛ زیرا موجب آشکار شدن عیب‌ها و زوال عزت می‌شود (کلینی، ۱۳۶۹، ۲: ۳۰۲).

#### ۴-۱۷. کنترل خشم و غضب

یکی دیگر از مواردی که ممکن است در صورت کنترل نکردن آن، عواقب جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد، غضب است. امام علی (علیه السلام) خشم را لشکر بزرگ شیطان می‌داند (نامه ۶۹). همچنین در این باره می‌فرماید: «خشم را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن نوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام» (نامه ۳۱). امام (علیه السلام) در این جا خشم را به داروی تلخی تشبیه می‌کند که نوشیدنش سخت و طاقت‌فرساست و به همین دلیل، انسان ناچار است آن را کم‌کم و به‌صورت جرعه‌جرعه بنوشد؛ ولی دارویی بسیار شفابخش است و عاقبتش شیرین و لذیذ؛ زیرا انسان را از شرمساری و پشیمانی و زیان‌های بسیاری که غالباً به‌هنگام خشم در صورت خویشتن‌داری نکردن دامان انسان را می‌گیرد، نجات می‌دهد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۵۳). با توجه به رهنمودهای امام (علیه السلام)، می‌توان گفت کنترل خشم از نشانه‌های ایمان و معنویت انسان بوده و موجب سلامت روح و روان می‌شود.

#### ۴-۱۸. دوری از تملق و چاپلوسی

ستودن بیش از میزان واقعی، چاپلوسی تلقی می‌شود که از رذیلت‌های رفتاری است. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «ستودن بیش از آنچه سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است» (حکمت ۳۴۷) و نقل شده است: «به شخصی که در ستایش امام (علیه السلام) افراط کرد و آنچه در دل داشت نگفت، فرمود: «من کمتر از آنم که بر زبان آوردی و برتر از آنم که در دل داری» (حکمت ۸۳). امام (علیه السلام) فریب خوردن را از آفات ستایش و تعریف

کردن می‌داند و می‌فرماید: «چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند» (حکمت ۴۶۲). امام (علیه السلام) با این سخنان که دستور به میانه‌روی در معاشرت است، درصدد تربیت انسان جهت کسب عزت و مقابله با رذایل اخلاقی است. آموزه‌های دینی و معنوی درصدد تربیت انسانی خدامحور است، به طوری که مدح و حمد را مختص خداوند متعال دانسته و تأکید دارد که جز خدا و اولیایش، از کس دیگری مدح بیش از حد ننماید.

#### ۴-۱۹. دوری از حسادت

حسادت کردن از رذایلی است که به دلیل اثرات سوء بی‌شماری که دارد در آموزه‌های دینی به پرهیز از آن تأکید شده است، چرا که دورکننده انسان از مدار معنویت است. از جمله در نهج البلاغه، حسد، دشمن و نابودکننده ایمان معرفی شده: «حسد ایمان را می‌خورد همان‌طور که آتش هیزم را می‌سوزاند» (خطبه ۸۶). همچنین امام (علیه السلام) می‌فرماید: «حسادت، عامل بی‌پروایی در گناهان است» (حکمت ۳۷۱). در کلام‌های دیگری نیز حسد را تهدیدکننده سلامتی معرفی کرده و چنین رهنمود داده است: «شگفتا که حسودان از سلامتی خود غافل مانده‌اند!» (حکمت ۲۲۵) و «سلامت تن در دوری از حسادت است» (حکمت ۲۵۶). با توجه به این سخنان می‌توان به نقش تربیتی دوری از حسد پی برد و از اثرات نامطلوب و بسیار مضر آن در امان ماند، چرا که انسان حسود هم به خود زیان می‌رساند و هم به دیگران، بر همین اساس خداوند متعال در قرآن کریم حسد را نکوهش نموده و انسان را از شر حسودان برحذر می‌دارد (فلق: ۵).

#### ۴-۲۰. پرهیز از لجاجت

لجاجت یکی از بدترین رذیلت‌های اخلاقی و رفتاری است. راغب اصفهانی در معنای آن می‌نویسد: «لِجَاجٍ: ستیزه کردن و دشمنی دائمی در انجام کاری که نایستی انجام شود و رنج آور است» (راغب، ۱۳۷۴: ۴: ۱۱۷). لجاجت آن است که انسان بر سخن باطل یا طریقه نادرستی که بطلان آن بر او ثابت شده اصرار ورزد به گمان اینکه شخصیت خود را در انظار نشکند، درحالی که اگر در این گونه موارد انسان در برابر حق تواضع کند و آن را پذیرا شود، اعتبار و آبروی او در انظار مردم بیشتر خواهد شد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۴۵). این رفتار از بی‌خردی سرچشمه می‌گیرد و موجب پشیمانی می‌شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «از لجاجت پرهیز که آغازش جهل و نادانی و آخرش ندامت و پشیمانی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴: ۶۷). امام علی (علیه السلام) از سوار شدن بر مرکب لجاجت نهی می‌کند (نامه ۳۱) و می‌فرماید:

«لجاجت، تدبیر را سست می‌کند» (حکمت ۱۷۹). همچنین امام (علیه السلام) لجاجت را موجب نزول بلا و هلاکت می‌داند و می‌فرماید: «آن کس که در لجاجت خود پا فشرود، خدا پرده ناآگاهی بر جان او کشد و بلای تیره‌روزی گرد سرش گرداند» (نامه ۵۸). توجه و عمل به این دستورالعمل‌های معنوی و تربیتی امام (علیه السلام) موجب سلامت روح و دور ماندن از بلایا می‌شود که نقش قابل توجهی در زندگی سعادت‌مندان انسان دارد.

#### ۴-۲۱. دوری از سخن چینی

سخن چینی از جمله زشت‌ترین و زیان‌بارترین رفتارهاست که باعث ایجاد دشمنی، کینه، تیرگی، تفرقه و تباهی روابط اجتماعی می‌شود و در قرآن و روایات معصومان (علیهم السلام) به شدت از آن نهی شده است؛ زیرا پویایی، مانایی و سلامت روحی و معنوی یک جامعه به نوع رفتار انسان‌ها در آن جامعه بستگی دارد. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که جز سخن چین را محترم نشمارند» (حکمت ۱۰۲). سخن چینان در مکتب امام علی (علیه السلام) از بدترین‌های جامعه هستند. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «بدترین شما سخن چینان هستند که میان دوستان جدایی می‌افکنند و در جستجوی عیب‌های خوبان‌اند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲: ۸۱). پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز در وصیت به امام علی (علیه السلام) فرمود: «همانا خداوند دروغ گفتن برای ایجاد صلح را دوست دارد و از راستی که مایه فساد شود، متنفر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲: ۲۵۲).

یکی از آثار منفی سخن چینی که در کلام امام (علیه السلام) به آن اشاره شده و دامن‌گیر سخن‌چینان می‌شود بی‌اعتمادی افراد جامعه به آنان و فاصله گرفتن دوستان و اطرافیان از آن‌هاست و می‌فرماید: «هرکس سخن چین را پیروی کند دوستی را به نابودی کشاند» (حکمت ۲۳۹). امام علی (علیه السلام) این گروه از انسان‌ها را مخرب‌ترین افراد می‌داند و از پذیرش سخن آنان برحذر می‌دارد: «در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدنده ظاهر می‌شود اما خیانتکار است» (نامه ۵۳)؛ زیرا آن‌ها با سخن چینی علاوه بر گسستن پیوندها درحقیقت آرامش و طهارت روحی و معنوی افراد را نیز خدشه‌دار می‌کنند.

#### ۴-۲۲. پرهیز از عیب‌جویی

یکی از راهکارهای تربیتی معنویت‌محور که در آموزه‌های دینی مورد تأکید است؛ پرهیز از عیب‌جویی است. عیب‌جویی رفتار زشتی است که رشته محبت بین افراد را پاره می‌کند. اعتماد آن‌ها را نسبت به یکدیگر از بین می‌برد و از سوی دیگر بزرگ‌ترین مانع همکاری‌های

اجتماعی به حساب می‌آید. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین عیب این است که چیزی را که در خود داری، بر دیگران عیب بشماری» (حکمت ۳۵۳). برخی افراد عیب و ایرادی را که در اعمال و رفتار خودشان وجود دارد، نمی‌بینند و به حساب نمی‌آورند، اما همین که آن عیب را در شخص دیگری ببینند، زبان به عیب‌جویی و انتقاد باز می‌کنند و همه‌جا و پیش همه‌کس، از عیب آن شخص سخن می‌گویند. امام (علیه السلام) می‌فرماید: «ای مردم خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد» (خطبه ۱۷۶)؛ یعنی شایسته است انسان به‌جای عیب‌جویی از دیگران به عیب‌جویی از خود مشغول باشد و حتی اگر در معاشرت با دیگران بینشان مشکلی پیش آمد، ابتدا در رفتار خود جستجو کند و سریع طرف مقابل را مقصر قلمداد نکند.

همچنین انسان به‌حکم وظیفه اسلامی و انسانی و اخلاقی موظف است در صورتی که از برادر دینی خود اشتباه و خطایی را مشاهده کرد در خفا به او تذکر دهد تا او درصدد رفع آن برآید، نه اینکه با دیدن یک کار خطا و اشتباه آبروی مسلمانی را ببرد و در نتیجه خود را نیز مستحق آتش دوزخ کند. امام (علیه السلام) در کلامی دیگر می‌فرماید: «آن‌کس که در عیب خود بنگرد از عیب‌جویی دیگران باز ماند» (حکمت ۳۴۹). عیب‌جویی باعث ریخته شدن آبروی دیگران، از بین رفتن محبت، ایجاد کدورت و نابسامانی‌های اجتماعی و خانوادگی می‌شود. علاوه‌براین موجب از بین رفتن معنویت در وجود انسان عیب‌جو و دور شدن وی از رحمت خداوند نیز می‌شود.

#### ۴-۲۳. دوری از غیبت

یکی از اصول مهم تربیت دینی و معنوی مورد تأکید قرآن و روایات، پرهیز از غیبت است. غیبت کردن، پشت سر کسی سخن گفتن و بدگویی کردن است که از زشت‌ترین و ناپسندترین رفتارها است. کسی که غیبت می‌کند، بدون شک آدمی ناتوان است، چنانکه امام علی (علیه السلام) ماهیت غیبت را ضعف انسان می‌داند و می‌فرماید: «غیبت کردن، آخرین تلاش آدم ناتوان است» (حکمت ۴۶۱). غیبت کردن، باعث ریختن آبرو، ایجاد دشمنی، بی‌اعتمادی و تبلیغ فحشاء می‌شود و در ناسالم‌سازی روابط بین فردی سهم بزرگی دارد. امام (علیه السلام) آن را خوراک سگ‌های جهنم و غیبت‌کنندگان را پست‌ترین و مبعوض‌ترین مردم می‌داند و می‌فرماید: «از غیبت پرهیز چون موجب می‌شود مورد خشم و دشمنی خدا و مردم قرارگیری و پاداشت نابود

شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۹۶). در کلام دیگری نیز می‌فرماید: «ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش، شاید برای آن‌ها کیفر داده شوی» (خطبه ۱۴۰).

امام (علیه السلام) درباره پرهیز از گوش دادن به غیبت نیز چنین رهنمود داده است: «ای مردم آن کس که از برادرش، اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را سراغ دارد، باید به گفته مردم درباره او گوش ندهد. آگاه باشید گاهی تیرانداز، تیر می‌افکند و [تیر او] به خطا می‌رود، سخن نیز چنین است، درباره کسی چیزی می‌گویند که واقعیت ندارد و گفتار باطل تباه‌شدنی است و خدا شنوا و گواه است» (خطبه ۱۴۱)؛ بنابراین با استناد به سخنان امام علی (علیه السلام) چنین استنتاج خواهد شد که غیبت سهم‌به‌سزایی در ناهنجاری‌های اجتماعی دارد که البته در صورت تربیت انسان بر اساس آموزه‌های معنوی نهج البلاغه، قطعاً شاهد جامعه‌ای متعالی، اخلاق‌مدار و هنجارگرا خواهیم بود.

#### ۴-۲۴. حفظ زبان از سخنان ناروا

یکی دیگر از رفتارهای زشت و زننده ناسزاگویی است که باعث از بین رفتن حریم‌ها و شکسته شدن حرمت‌ها می‌شود. خداوند متعال در خصوص عبادالرحمان می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳): «و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هر گاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.» امام علی (علیه السلام) در این حالت به عفو و خردورزی دعوت می‌نماید و ناسزاگویی را نشانه ضعف اندیشه می‌داند و می‌فرماید: «پرهیزکار را می‌بینی که از سخن زشت دور است» (خطبه ۱۹۳) و «پرهیزکار را می‌بینی که مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خواند» (همان). درباره روش برخورد با دشنام‌دهندگان نیز آمده است که یکی از خوارج به امام (علیه السلام) دشنام داد، یاران امام (علیه السلام) برای کشتن او برخاستند، امام (علیه السلام) فرمود: «آرام باشید، دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه؟» (حکمت ۴۲۰).

با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود که شخصیت انسان‌ها خیلی گرامی‌تر از آن است که در مواقع بروز اختلافات و تفاوت سلیقه، زبان به ناسزاگویی بگشایند؛ زیرا این شیوه با سیره و روش زندگی‌ای که انبیا از جانب خداوند آورده‌اند در تضاد است و آنچه امام علی (علیه السلام) به‌عنوان

انسانی متعالی در کردار و گفتار خود بدان پایبند بود و بدان نیز توصیه می نمود ناظر بر همین است.

#### ۴-۲۵. رعایت اعتدال در شوخی و مزاح

یکی از اصول تربیت دینی که بر معنویت‌گرایی استوار است؛ رعایت اعتدال در کلیه امور است، بنابراین به‌رغم اینکه شوخ‌طبعی از صفات پسندیده انسان است، اما در تعالیم علوی از کثرت شوخی و مزاح نهی شده است. البته نه به این معنا که اسلام با شادی مخالف است؛ بلکه در فرهنگ دینی مسئله شادی و شاد کردن دیگران جزء رفتارهای پسندیده است. نهی اسلام از کثرت مزاح و توصیه به رعایت آداب آن، به دلیل عوارض سوء آن است؛ زیرا این رفتار جزء رفتارهایی است که رعایت اعتدال و موقعیت‌شناسی و رعایت حدود مرز آن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. امام علی (علیه السلام) مزاح بی جا را موجب کاهش عقل می داند و می فرماید: «هیچ کس شوخی بی جا نکند جز آنکه مقداری از عقل خویش را از دست بدهد» (حکمت ۴۵۰).

همچنین درباره پرهیز از سخنان بیهوده و خنده آور می فرماید: «از سخنان بی ارزش و خنده آور پرهیز، گرچه آن را از دیگری نقل کرده باشی» (نامه ۳۱)؛ زیرا این گونه سخنان از یک سو هیبت و ابهت انسان را بر باد می دهد و از سوی دیگر غالباً همراه با غیبت یا استهزای فرد آبرومندی است، بنابراین هم مایه نقص انسان در دنیا و هم در آخرت است. خواه این سخن از خودش باشد یا به نقل از دیگری. چه تفاوت می کند که غیبت یا سخریه ابداع خود انسان باشد یا حکایت از دیگری. البته این سخن به آن معنا نیست که انسان از شوخی و مزاح مشروع پرهیزد و خشک و عبوس در مجالس بنشیند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۸۷)؛ بلکه منظور رعایت اعتدال در مزاح و موقعیت‌شناسی و توهین نکردن به دیگران است.

#### ۴-۲۶. هم‌نشینی نکردن با بدان

هم‌نشینی با افراد بدکردار از بدترین رفتارها است. چراکه معاشرت با این افراد، خواسته یا ناخواسته موجب اثرپذیری از آنها می شود. یکی دیگر از پیامدهای منفی آن، تنزل شخصیت انسان در چشم دیگران است؛ زیرا معروف است که می گویند انسان را با دوستش می شناسند؛ بنابراین معاشرت با این افراد موجب می شود که انسان در چشم دیگران از جنس آن افراد به حساب بیاید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می فرماید: «انسان بر کیش دوست و رفیق خود است» (کلینی، ۱۳۶۹، ۴: ۸۳).

امام علی (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «بکوش تا از بدکاران دور باشی» (نامه ۳۱). با بررسی نهج البلاغه روشن می‌شود که امام ز درباره هم‌نشینی و معاشرت با چند گروه خاص هشدار داده و از آنان نام برده است؛ از جمله: بدکاران و جاهلان (نامه ۳۱)، خلاف کاران، فاسقان و غافلان (نامه ۶۹). گرچه امام (علیه السلام) در سخنانی به اجتماعی بودن و ارتباط با افراد جامعه توصیه نموده، اما هر جا که احتمال وارد شدن ضرر و زیان به دین و دنیای انسان وجود دارد، به شدت از آن نهی می‌نماید. این گونه تربیت متعالی و معنویت‌محور موجب سالم ماندن انسان و جامعه از خطرات احتمالی است.

#### ۴-۲۷. پرهیز از انجام کارهای عذر برانگیز

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه درباره انجام کارهای پنهانی که در صورت آشکار شدن موجب شرم می‌شود و کارهایی که موجب می‌شود دیگران انسان را مورد سؤال قرار دهند و به عذرخواهی مجبور شود، هشدار داده است: «از هر کار پنهانی که از آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن. از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند، که در این صورت آن [کار] را نپذیرد یا عذرخواهی کند، دوری کن» (نامه ۶۹). همچنین می‌فرماید: «مبادا کاری انجام دهی که به عذرخواهی روی آوری» (نامه ۳۳). در کلامی دیگر نیز می‌فرماید: «بی‌نیازی از عذرخواهی، گرامی‌تر از عذر راستین است» (حکمت ۳۲۹). بر اساس سخنان امام (علیه السلام)، همان‌طور که شایسته است انسان در مقابل خداوند متعال از اعمال و رفتار خود مراقبت نماید، باید در روابط خود با دیگران نیز اهتمام لازم را داشته باشد. این دستور معنوی امام (علیه السلام) از جلوه‌های عالی تربیت دینی است.

#### نتیجه‌گیری

با مطالعاتی که پیرامون موضوع حاضر در نهج البلاغه صورت گرفت، حاصل بحث چنین بیان می‌شود:

امام علی (علیه السلام) با نگاه معنویت‌محور در صدد ایجاد و توسعه مدینه فاضله‌ای است که اساس آن بر تربیت رفتاری و اخلاقی افراد آن جامعه شکل می‌گیرد. در نهج البلاغه به انحاء مختلف و در موارد متعددی به انجام فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل تشویق شده است و تأکید شده که با عمل به فضایل و دوری از رذایل، هم سعادت دنیوی و هم اجر و پاداش اخروی تضمین می‌شود.



این بیانات گرچه به صورت پراکنده در جای جای این کتاب بیان شده، ولی با استخراج، تبویب و تبیین این سخنان، سیستم تربیتی خاصی به دست می آید که مبتنی بر معنویت و ارزش های انسانی است و در صورت عمل به مفاد آن سیستم، می توان افراد جوامع را طوری تربیت کرد که همه انسان ها با هر نوع نژاد، ملیت، سلیقه و تفکری بتوانند در کمال آرامش و امنیت جسمی، روحی و روانی همچون یک خانواده متخلّق به فضایل اخلاقی با تعامل حداکثری در کنار هم زندگی سعادت مندانه ای داشته باشند.

رهنمودهای تربیتی موجود در نهج البلاغه که عمدتاً برگرفته از آیات قرآن است، همانند قرآن [که به انذار و تبشیر نظر دارد] بر دو پایه بیم و امید، و پرهیز و تشویق استوار است. با مطالعه نهج البلاغه درمی یابیم که امام (علیه السلام) دائماً به تربیت و تغییر رفتار و اصلاح آداب اجتماعی مخاطب خود مبتنی بر معنویت گرایی نظر داشته و با بیانات متعددی به دنبال تعالی بخشی به شخصیت انسان جهت تربیت عمومی به ویژه اصلاح رفتارهای اجتماعی بوده که با عمل به این اوامر و نواهی قطعاً می توان سلامت رفتاری افراد جامعه را تضمین نمود و جامعه ای متعالی را متصوّر شد.

## منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهی، (۱۳۸۶)، چاپ اول، تهران، نشر جمهوری.
- \* نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، (۱۳۹۳)، چاپ هجدهم، قم: پیام مقدس.
- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۷)، معانی الأخبار، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ۲- ابن فارس، احمد، (۱۴۱۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (ق ۱۴۱۴)، لسان العرب، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۴- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (بی تا)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ هشتم، تهران: بی جا.
- ۵- حاجی ده‌آبادی، محمد علی، (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، تهران: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی.
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، تصحیح: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام)، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۷- حق شناس، علی محمد و همکاران، (۱۳۸۳)، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
- ۸- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه: احمد آرام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۹- حلوانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۸ق)، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، مصحح: مدرسة الإمام المهدي (عج)، چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
- ۱۲- عمید، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، اصول کافی، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
- ۱۵- لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ (للشی)، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحديث.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، تصحیح: جمعی از محققان، جلد ۷۲ و ۷۴، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۴)، بحار الأنوار، ترجمه: ابوالحسن موسوی همدانی، جلد ۶۸، چاپ اول، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.

- ۱۸- محدثی، جواد (۱۳۹۲)، اخلاق معاشرت، چاپ سی و نهم، قم: بوستان کتاب.
- ۱۹- مطهری، مرتضی (بی تا)، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران: صدرا.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، جلد ۹، چاپ اول، قم: انتشارات امام علی (علیه السلام).
- ۲۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام): شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، جلد ۱۲، چاپ اول، قم: انتشارات امام علی (علیه السلام).
- ۲۲- نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).

## REFERENCES

- \* Holy Quran, Translated by: Elahi Ghomshei, (1386), First Edition, Tehran, Jomhuri Publishing.
- \* Nahj al-Balaghah, Translated by: Mohammad Dashti, (1393), 18th edition, Qom: Peyame Moggaddas.
- 1- Al-Farahidi, Khalil Ibn Ahmad, (1409 AH), Kitab al-Ain, Second Edition, Qom: Hijrat Publishing.
  - 2- Al-Hurr Al-Amili, Muhammad ibn Hasan, (1409 AH), Wasa'il Al-Shi'a, edited by: Aal-Albayt Foundation (AS), Qom: Al-Albayt Foundation.
  - 3- Al-Kulaini, Muhammad Ibn Yaqoub, (1369), Usul Al-Kafi, translated by: Seyed Javad Mostafavi, First Edition, Tehran: Elmiyyeh Islamiyyeh Bookstore.
  - 4- Al-Tamimi Al-Amidi, Abd al-Wahid bin Muhammad (No Date), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Eighth Edition, Tehran: No Place.
  - 5- Amid, Hasan, (1381), Farhang Farsi Amid, Tehran, Amirkabir Publishing Institute.
  - 6- Dehkhoda, Ali Akbar, (1373), Loghat-Nameh [Dictionary of Dehkhoda], Tehran, Institute of Publishing and Printing, University of Tehran.
  - 7- Haghshenas, Ali Mohammad et al., (1383), Farhange Mo'aser Hezareh Inglisi Farsi [Contemporary Culture of the English-Persian Millennium], Tehran, Farhange Moaser.
  - 8- Hajidehabadi, Muhammad Ali, (1377), Daramadi bar Nezame Tarbiyati Islam [An Introduction to the Islamic Educational System], Tehran: Office of Research and Compilation of Textbooks.
  - 9- Hakimi, Mohammad Reza; Hakimi, Mohammad; Hakimi, Ali, (1380), Al-Hayat, translated by: Ahmad Aram, First Edition, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
  - 10- Halwani, Husein Ibn Muhammad, (1408 AH), Nuz'hat Al-Nazer and Tanbih Al-Khatir, editor: Al-Imam Al-Mahdi School (AS), First Edition, Qom: Madrasah Al-Imam Al-Mahdi (AS).
  - 11- Ibn Babawayh, Muhammad Ibn Ali (Sheikh Saduq), (1377), Ma'ani Al-Akhbar, translated by: Abdul Ali Mohammadi Shahroudi, Second Edition, Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah.
  - 12- Ibn Faris, Ahmad, (1414 AH), Mujam Maqayis Al-Lughah, research: Abdul Salam Muhammad Haroon, First Edition, Qom: Maktab Al-Ilam Al-Islami.
  - 13- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1414), Lisan Al-Arab: Jamal al-Din Mirdamadi, Third Edition, Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution.
  - 14- Laithi Al-Wasiti, Ali Ibn Muhammad, (1376), Uyoun Al-Hikam wal Mawa'idh, edited by: Husein Hassani Birjandi, Qom: Dar al-Hadith.
  - 15- Majlisi, Muhammad Baqir, (1364), Bihar Al-Anwar, translated by: Abul Hasan Mousavi Hamedani, Vol 68, First Edition, Tehran: Vali Asr Mosque Library.
  - 16- Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, edited by a group of scholars, vols. 72 & 74, Beirut, Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
  - 17- Makarem Shirazi, Naser (1387), Payame Imam Amir al-Mo'menin (AS), A new and comprehensive explanation of Nahj al-Balaghah, Vol. 9, First Edition, Qom: Imam Ali (AS) Publications.
  - 18- Makarem Shirazi, Naser (1390), Payame Imam Amir al-Mo'menin (AS), A new and comprehensive explanation of Nahj al-Balaghah, Vol. 12, First Edition, Qom: Imam Ali (AS) Publications.

- 19- Mohaddesi, Javad (2013), Akhlaq Mo'asherat [Social Ethics], Thirty-Ninth Edition, Qom: Boostan-e Ketab.
- 20- Motahari, Morteza (No Date), Jazebah va Dafe'eh Ali (As) [Attraction and Repulsion of Ali], Majmu'eh Asar, Vol. 16, Tehran: Sadra.
- 21- Nouri, Husayn ibn Muhammad (1408 AH), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, edited by: Al-Albayt Foundation (AS), First Edition, Qom: Aal-Albayt Foundation (AS).
- 22- Raghib Al-Isfahani, Husain Ibn Muhammad, (1374), translation and research of Mufradat Alfaz Al-Quran, Translated by: Gholamreza Khosravi Hoseini, Second Edition, Tehran: Mor-tazavi.